

بال برزده تر شدنم درد می کند

دکتر نیگس یادگار

www.ketabir

سروش‌نامه: یادگار، نرگس، ۱۳۵۶

عنوان و نام پدیدآور: بال پرندۀ نرسدند درد می‌کند / دکتر رگس، د.

مشخصات نشر: تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری: [۱۰۶] ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۴-۶۸۶-۳

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۵ / ۱۳۹۹

رده‌بندی دیویی: ۸۷۲ / ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۳۰۷۹

فصل پنجم / ناشر تخصصی شعر

بال پرندۀ تر شدیم در دمی که / دکتر یگس یادگار

چاپ اول: ۱۳۹۹ / نشر کان: ۵۰۰ نسخه

طراح جلد: گروه طراحی امین

شابک: ۹۸-۶۰۰-۳۰۳-۶۸۶-۳

صندوق پستی ناشر: ۴۵۱-۱۱۱۴۵

مرکز پخش: میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه مهدی زاده، شماره ۱۰، واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۰۹۸۴۷-۶۶۹۰۹۸۴۸-۰۹۱۲۱۵۹۱۸۹۱ تلفکس: ۶۹۰۹۸۴۸

fasle5.1386@gmail.com

www.Fasle5.ir

instagram:fasle5

همه حقوق چاپ و نشر برای مولف محفوظ است

فهرست

- ۱ / آرزویت می‌شوم وقتی که از سر رفته‌ام / ۹
- ۲ / سر نکردم لحظه‌ای حتی کنارش بیشتر / ۱۰
- ۳ / به واژه‌های عیان، نامه‌های پنهانی / ۱۱
- ۴ / با را تو ک دی، گمانم پر نمی‌خواهی / ۱۲
- ۵ / دُر کس دم از حدیث جستجو نمی‌زند / ۱۳
- ۶ / فتنه عشق را جو شید، سرم را می‌خواست / ۱۴
- ۷ / ماییم و عاقبت حشمت با پس کشیده‌ها / ۱۵
- ۸ / شهرم! حریم من تو ک دیست خالی‌ام / ۱۶
- ۹ / با مشت می‌کوبم بدیوانی که از سنگ است / ۱۷
- ۱۰ / باغش چهار فصل خدایا، ایست / ۱۸
- ۱۱ / هرچند حال و روز مرا زان دیده‌ای / ۱۹
- ۱۲ / شبنم بدون تو یلدای سرد و طولانی است / ۲۰
- ۱۳ / مرد باشید و دل خون مرا بردارید / ۲۱
- ۱۴ / با من کنار آمده‌ای، من هنوز نه! / ۲۲
- ۱۵ / غرق ساحل شده بودم که مرا دریا برد / ۲۳
- ۱۶ / عشق تو غیر حسرت و درجا زدن نداشت / ۲۴
- ۱۷ / از بس که چشمان تو آدم را روانی می‌کند / ۲۵
- ۱۸ / سروده‌ام غزلی تلخ در رثای خودم / ۲۶
- ۱۹ / زیر باران قدم زدیم بی‌تو، شاید این بار هم خطر کردم / ۲۷
- ۲۰ / حافظ کجاست؟ قهوه جوابم نمی‌دهد / ۲۸
- ۲۱ / گاه نم‌نم، گاه رگباری، تو بارانی مگر؟ / ۲۹

۲۲ / دیگر نمی‌رسند به تعبیر خواب‌ها / ۳۰

۲۳ / نشستی روبروی من، سراب انگار می‌بینم / ۳۱

۲۴ / می‌شود لحظه‌ای از چشم همه رد باشی؟ / ۳۲

۲۵ / چشم وا کردی، گشودی آسمان تازه‌ای / ۳۳

۲۶ / فصل‌هایم چه زود می‌گذرند، کاش مرگی نبود شورم را / ۳۴

۲۷ / مرا به زور زمین برده آدمم کردند / ۳۵

۲۸ / دیدار آخر خون‌به‌ایم بود حالا بگیر این نیمه جانم را / ۳۶

۲۹ / کال‌ها خیال رسیدن نداشتند / ۳۷

۳۰ / بگذار که از خاطره‌ات کام بگیرم / ۳۸

۳۱ / رونق‌ها من، نخل‌های جنوب مانده‌ام با سری که گم شده است / ۳۹

۳۲ / تا واک هم رسید فریادم، تو صدای مرا نمی‌فهمی / ۴۰

۳۳ / گرفته دلم پاک، مرا گناه کسی / ۴۱

۳۴ / ای واژه‌ها که از قلم من می‌دهاید / ۴۲

۳۵ / بغض بی‌رحم گره خورده، نایم پیچید / ۴۳

۳۶ / کلام از دست من در رست و در خنم ترک افتاد / ۴۴

۳۷ / دست از گله بردار دل قافیه سازم / ۴۵

۳۸ / سوای این من تکراری‌ام مرا بشناس / ۴۶

۳۹ / بعد از تمام مدت عمری که زن بودم / ۴۷

۴۰ / ببین با خیالت سبک‌بالی‌ام را / ۴۸

۴۱ / مشتی غزل کال و من و خاطره‌هایت / ۴۹

۴۲ / در جهانی که کعبه‌اش سنگی‌ست / ۵۰

۴۳ / قاصدک پشت غزل‌های من از پا افتاد / ۵۱

۴۴ / چشمان ابر بغض مرا اعتراف کرد / ۵۲

- ۴۵ / این روزها تمام تنم درد می‌کند / ۵۳
- ۴۶ / خورشید من! سلام و مبارک بهارتان / ۵۴
- ۴۷ / در این سپیده که خورشید می‌چکد به تنم / ۵۵
- ۴۸ / مردم! همه‌ی سهم من از عمر همین شعر / ۵۶
- ۴۹ / تو را سروده‌ام اما ترانه‌ای نشدی / ۵۷
- ۵۰ / بر دید عجب چاه عمیقی بود در خود فرو برد آسمانم را / ۵۸
- ۵۱ / آماده‌ام! من م‌دگان در روز رستاخیز / ۵۹
- ۵۲ / هیچ می‌دانم از کدامین روز، شعله‌ی شک به جانمان افتاده؟ / ۶۰
- ۵۳ / به چشم خسته که سراب و ستاره می‌ریزی / ۶۱
- ۵۴ / پاییز بس نبرد با ی تنم / ۶۲
- ۵۵ / این زخم تازه شش کنایه شود / ۶۳
- ۵۶ / عاشق‌ترین من! عطش بی‌زوال من! / ۶۴
- ۵۷ / باران که می‌شوی بدنم سبز می‌شود / ۶۵
- ۵۸ / چقدر سرد و پریشان، چقدر تهاپی / ۶۶
- ۵۹ / ابرها رفتند، اما همچنان بارانی‌ام / ۶۷
- ۶۰ / آماده‌ام؛ بیا و درونم حلول کن / ۶۸
- ۶۱ / کاش می‌شد که زمان هم به عقب برگردد / ۶۹
- ۶۲ / صدایت لعبتی عریان و لحنیت اوج گیرایی ست / ۷۰
- ۶۳ / جهانم را قرق کرده خیالی رو به گمراهی / ۷۱
- ۶۴ / کز کرده‌ام یک گوشه‌ی دنج، در پای دیواری خمیده / ۷۲
- ۶۵ / پر بگیر ای پرنده از تن من! تو که یارای پر زدن داری / ۷۳
- ۶۶ / چشم باز و دهان بسته‌ی من، با امیدی که کال می‌ماند / ۷۴
- ۶۷ / از ساقه‌های گندم من گاه مانده است / ۷۵
- ۶۸ / شایعاتی از تبر بر جان باغ افتاده بود / ۷۶

- ۶۹ / کنار توأم، اعتمادی ندارم / ۷۷
 ۷۰ / روزهای شبیه هم شده‌اند، خواندن آیه‌های تکراری / ۷۸
 ۷۱ / دیدم که تقدیرم از این کابوس برمی‌خاست / ۷۹
 ۷۲ / شاعر چشم تو وقتی اشک جاری می‌کند / ۸۰
 ۷۳ / زمانی باد، دستت را به دست من سپرد و رفت و من امروز / ۸۱
 ۷۴ / کنار زندگی من هنوز بوی تو هست / ۸۲

جایگاه ۸۳

- ۷۵ / رسم‌هایت امامزاده شدند / ۸۵
 ۷۶ / در من هر روز می‌چرخد / ۸۷
 ۷۷ / مادر را اعتراض سنگینی است / ۸۸
 ۷۸ / تقدیر من شاید همین باشد / ۸۹
 ۷۹ / پاییزها نعره بهار را بلبل کردند / ۹۱
 ۸۰ / زنجیرهای کهنه‌ام / ۹۳
 ۸۱ / مثل یک اقتباس پنهانی / ۹۵
 ۸۲ / قدری خیال مانده برایم، بیا بر / ۹۷
 ۸۳ / دارم می‌افتم دیگه از چشمت / ۹۸
 ۸۴ / چمدانی پر از هوای تو بود / ۹۹
 ۸۵ / شاعر شدم که از تو بگویم بدون شرم / ۱۰۱
 ۸۶ / این فصل، فصل حوصله کردن نیست / ۱۰۲
 ۸۷ / شب به شب نامه‌های بی‌مقصد / ۱۰۳
 ۸۸ / دیوارهای دورهام کردند / ۱۰۵